

تتمّة فرهنگ البلغة

مسعود قاسمی

مقدمه

چنان‌که آگاهیم، فرهنگ البلغة المترجم فی اللغة یا البلغة فی اللغة یا کتاب البلغة یا البلغة کهن‌ترین فرهنگ شناخته‌شده عربی - فارسی در نیمه اول قرن پنجم هجری قمری است. مؤلف کتاب البلغة - ابویوسف یعقوب بن احمد بن محمد بن احمد قاری کُردی نیشابوری (درگذشته: ۴۷۴ هـ ق) - نگارش آن را در سال ۴۳۸ هـ ق به پایان رسانیده است. این فرهنگ حدوداً دارای ۶۰۰۰ لغت بسیط، ترکیب و عبارت عربی است که اکثر آنها به فارسی، و تعدادی به عربی، معنا و تعریف شده و شمار چشمگیری از لغات آن از جمله معربیات است. البلغة مانند الأسمی فی الأسماء، السامی فی السامی، مقدّمه الادب و المرقاة به صورت موضوعی است، که در ۴۰ باب (هر باب شامل چند فصل، و در مجموع ۲۸۳ فصل) تنظیم و تبویب شده است.

مؤلف، در بعضی موارد، لغاتی را که از یک نوع و جنس‌اند، به جای آنکه جداگانه

مدخل کند و هرکدام را شرح دهد یا معادلی برای آنها بیاورد، در پی هم آورده و برای همه آنها یک تعریف کلی، به فارسی یا عربی، ارائه کرده است، مثلاً:

«الْقَدَحُ وَالْقَحْفُ وَالْبُلْبُلَةُ وَالْبَاطِيَّةُ وَالْجَامُ وَالطَّاسُ وَالْكَأْسُ وَالطَّرْجُ هَارَةُ وَالنَّاجُودُ: چیزهاست که در آن شراب خورند» (ص ۱۲۵)؛ «السُّدْرُ وَالسَّمَرُ [السَّلْمُ] وَالرَّثَمُ وَالْعَنَمُ وَالْغَافُ وَالْبَشَامُ وَالْمَرْخُ وَالْعَفَارُ وَالْكَنْهَيْلُ وَالْإِسْحِلُ: مِنْ أَشْجَارِ الْبَادِيَةِ» (ص ۳۰۹)؛ «التَّعْضُوضُ وَالْقَسْبُ وَالْجَيْبُ وَالْبَرْنِيُّ وَالْأَزَاذُ وَالْعَجْوَةُ: ضُرُوبٌ مِنَ التَّمْرِ». (ص ۳۱۱)

دسته‌ای از لغات البلغه آنهایی است که از نظر مؤلف نیازی به تعریف نداشته و معنایش آشکار بوده و در آن دوره از لغات ساده و روشن محسوب می‌شده؛ مؤلف این‌گونه لغات را با کلمه معروف و معروفات مشخص کرده است، مثلاً:

«الْقَرَابَةُ وَالصَّرَاحِيَّةُ وَالْقَيْنِيَّةُ: معروف». (ص ۱۲۵)

تعداد دیگری از لغات را مؤلف به عنوان مترادف آورده و معنی واحدی را برای آنها ذکر کرده، مثلاً:

«الْجَنْبُ وَالذَّفُّ وَالْكَشْحُ: پهلوی» (ص ۳۸)؛ «الْخَمَرُ وَالرَّاحُ وَالرَّحِيقُ وَالْعُقَارُ: می».

(ص ۱۲۵)

البته این شیوه فرهنگ‌نویسی خاص البلغه یعقوب کردی نیشابوری نیست و در فرهنگ‌های عربی به فارسی‌ای که پس از البلغه تألیف شده‌اند نیز به کار رفته است.

در اینجا به این نکته نیز باید اشاره کرد که اصولاً هدف مؤلفان گذشته در تدوین فرهنگ‌های عربی به فارسی، مانند البلغه، مقدمه ادب، تاج الاسامی، السامی فی الاسامی، الاسمی فی الاسماء... آموزش و اشاعه زبان عربی، به عنوان یک زبان دینی و علمی، بوده است؛ اینان در کنار این، احاطه و تسلط خود را بر زبان عربی نیز نشان می‌دادند و نام خود را ماندگار می‌ساختند. بنابراین نباید چنین پنداشت که هدف این‌گونه ادیبان و محققان از تألیف فرهنگ‌های عربی - فارسی، حفظ و اشاعه زبان فارسی بوده است، اما

آنان ناخواسته و ندانسته بخشی از زبان و فرهنگ ملی ما را، در سایه زبان عربی، به ما منتقل نموده‌اند.

از کتاب البلغه تاکنون ۶ نسخه شناسایی شده است:

- ۱- نسخه شماره ۱۳۰۵۱ کتابخانه مجلس شورا، مورخ ۶۲۰ ه.ق.
- ۲- نسخه شماره ۹۵۴ کتابخانه سی در اماسیه (ترکیه)، مورخ ۶۵۴ ه.ق.
- ۳- نسخه شماره ۳۰۵ کتابخانه چستربیتی (ایرلند)، مورخ ۶۶۸ ه.ق.
- ۴- نسخه شماره ۱۴۴۳۳ کتابخانه مجلس سنای سابق، بدون تاریخ و از قرن ۷ ه.ق.
- ۵- نسخه شماره ۵۳۱ کتابخانه گوتا (آلمان)، مورخ ۸۲۴ ه.ق.
- ۶- نسخه شماره ۱۵-۱۹۷۶ موزه ملی پاکستان، در کراچی، بدون تاریخ و از قرن ۱۱ و ۱۲ ه.ق.

کتاب البلغه در سال ۱۳۵۳ ش به اهتمام مجتبی مینوی و فیروز حریرچی، براساس نسخه کتابخانه آماسیه و با مقابله نسخه گوتا، به همت انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، در تهران، منتشر شد.

نگارنده (قاسمی ۱۳۸۳) در مقاله «درباره لغات نسخه کهن کتاب البلغه» لغات و حواشی و شروحنی را که در نسخه چستربیتی آمده بود و در کتاب البلغه چاپ تهران وجود نداشت، منتشر کرد.

ابوالحسن علی بن احمد فنجگردی^۱ نیشابوری (درگذشته: ۵۱۳ ه.ق)، یکی از مریدان فاضل یعقوب گردی نیشابوری، تکمله و تمه‌ای بالغ بر ۴۸۰ لغت^۲ عربی با معادل‌های

(۱) یاقوت حموی در معجم البلدان (ج ۴، ص ۲۷۷) و معجم الأدباء (ج ۴، ص ۱۶۶۴) نوشته است که فَنجَكِرْد (Fanjakird) قریه‌ای است از قرای نیشابور (بر حدّ درب). سَمْعانی در الأنساب (ص ۴۳۲) تلفظ فنجگرد را فَنجُکِرْد (Fanj(u)kird) آورده است. در چاپ عکسی السّامی فی السّامی، مورخ ۶۰۱ ق (ص ۱۵) الفنجکردی (به کسر فا و فتح جیم و کسر کاف) ضبط شده است.

(۲) در مقدمه کتاب البلغه (ص ۸) به این تمه اشاره شده و تعداد لغات آن ۸۴ عدد نوشته شده که باید خطای

فارسی آنها، که استادش در البلغه نیاورده است، تحت عنوان تَمَمَةُ كِتَابِ الْبُلْغَةِ بر فرهنگ مذکور نوشته است.

ابوالفضل احمد بن محمد بن احمد بن ابراهیم میدانی نیشابوری (درگذشته: ۵۱۸ ه.ق)، مؤلف فرهنگ السّامی فی الأسامی، شاگرد علی فنجگردی بوده و در مقدمه این فرهنگ (چاپ عکسی، ص ۱۵) گفته است که السّامی فی الأسامی را به «تحضیض» و تشویق استادش - شیخ امام ابوالحسن علی بن احمد فنجگردی - به پایان آورده است. تتمه فنجگردی بر البلغه در ۲۴ فصل و چنان‌که اشاره شد شامل ۴۹۴ لغت عربی و معرب است که فنجگردی آنها را در کتاب البلغه نیافته است. اکثر لغات عربی تتمه البلغه در متن چاپی و دست‌نویس‌های شناخته‌شده البلغه نیامده است. تعدادی از این لغات بعضی از کلمات عربی مترادف است که یعقوب گردی در البلغه نیاورده، ولی فنجگردی به آنها توجه کرده و در تتمه خود آورده است، مثلاً:

کتاب البلغه		تتمه کتاب البلغه	
ابن الغمام	سرما (ص ۲۷۰)	الْقُرُّ وَالصَّيْرُ	سرما
البرد	سرما (ص ۳۷۵)		
الخلق	جامه کهن (ص ۱۶۰)	اللبیس	جامه داشته
البصرة	سنگ سپید و سست (ص ۲۷۸)	الیرمع	سنگ سپید و سست
الدَّرَجَة	نردبان پایه (ص ۱۷۱)	المِرْقاة	پایه نَرْدَبان
الرّصاص	ارزیز (ص ۲۸۴)	الصّرْفان	ارزیز
سَقْفُ الْبَيْتِ	آسمانه خانه (ص ۳۲۴)	السَّمَك	آسمانه

→

چاپی باشد و عدد صحیح ۴۸۰ است؛ زیرا در صفحه اول نسخه تَمَمَةُ كِتَابِ الْبُلْغَةِ، که به خط کاتب است، نوشته شده: «عدد لغاتها اربعماية و ثمانون». البته تعداد دقیق لغات این تتمه ۴۹۴ لغت است. این خطا، به تبعیت از مقدمه کتاب البلغه، در برخی از منابع و نوشته‌های دیگر تکرار شده است.

العَربین	جایگاه شیر (ص ۳۲۱)	الغاب و الشَّری و الخیس	جایگاه شیر
المارستان	بیمارستان (ص ۳۱۸)	دارُ المَرَضی	بیمارستان
المِراة	آینه (ص ۱۶۴)	المَاویة و السَّجَنجَل	آینه
النَّواق	ناوه	الراقود	ناوه

اما تعداد کمی از لغات تمتۀ البلغة در کتاب البلغة وارد شده است. این لغات را بعدها کاتبان البلغة از تمتۀ البلغة، یا از مأخذ دیگری، به اصل کتاب البلغة افزوده‌اند، مثلاً:

تمتۀ کتاب البلغة

کتاب البلغة

أُنافی	بزرگ بینی (ص ۲۱)	الأُنافی	بزرگ بینی
البَحْر و الیم	دریا (ص ۲۷۸)	الیم	دریا
البرّادة و الطَّهیان	کوزه‌آویز (ص ۱۶۹)	البرّادة	کوزه‌آویز
البَّهوَ	ایضاً صفه (ص ۳۲۳)	البَّهوَ	صفه
الزَّرْعُب	کَیْمُخَتْ (نسخه شماره ۱۳۰۵۱ مجلس، ص ۵۲)	الزَّرْعُب	کَیْمُخَدْ
الخَرِیف	پائیز (ص ۳۴۲)	الخَرِیف	برگزیزان
النَّعش	تختۀ مرده (ص ۳۱۹)	النَّعش	تختِ مرده

در تمتۀ کتاب البلغة، گاهی لغات عربی به واژه‌های فارسی‌ای برگردانده شده که نه تنها در خود کتاب البلغة بلکه در سایر فرهنگ‌های قدیم و جدید نیز دیده نمی‌شود، از جمله:

آب روزه	الشَّرب	راو	السُّلاف
برماندگی	اللَّوی	کاردارانه	العُمالة
تاغن	التَّبَق	کَیْمُخَدْ	الزَّرْعَب
تَرُنْجُون	العَفِص	نیاز و دار	العُقَّة و البلغة و المَسْکَة
تَرُنْجَوینی	العُفوصة	دارویی که واپی کند	السَّقوف

چنان‌که اشاره شد، یکی از نسخ کهن البلغه در کتابخانه چستریتی است. در دست‌نویس کتابخانه چستریتی، که مجموعه‌ای است از چند فرهنگ عربی به فارسی، به‌جز فرهنگ البلغه، سه فرهنگ خُرد عربی به فارسی دیگر نیز وجود دارد که تتمه کتاب البلغه یکی از آنهاست. این مجموعه فرهنگنامه‌ها را کاتب عالم و خوش‌خطی از آذربایجان، به‌نام عبدالملک بن ابراهیم بن عبدالرحمن القفالی، در سال ۶۶۸ ه‍.ق کتابت کرده است.

این مجموعه، با فیلم شماره ۳۴۳۳ و عکس شماره ۶۵۷۸، در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران مضبوط است. متن حاضر را نگارنده بر پایه همین نسخه منحصر به فرد ارائه کرده است.

ویژگی‌های نوشتاری

- ۱- علامت مدّ الف ممدود (~) در اکثر موارد آمده و در چند مورد نیامده:
 انک (= آنک)، براماسیده (= برآماسیده)، برامذه (= برآمذه).
 این علامت در متن حاضر همه جا گذاشته شد.
- ۲- حرف «پ» هم با یک نقطه و هم با سه نقطه نوشته شده.
 با یک نقطه: بره تنور (= پره تنور)، بلاس (= پلاس)، بلیذ (= پلید)، بوست (= پوست)، بیجا (= پیجا)، بیشانی‌بند (= پیشانی‌بند)، بیشه (= پیشه)، بنهان (= پنهان).
 با سه نقطه: بی‌پذر، پاک، پذر پریان، پَر مرغ، پَس، پَلیده.
- ۳- حرف اضافه «به» همه جا به کلمه بعد از خود پیوسته است.
- ۴- حرف «ج» همه جا با یک نقطه (ج) نوشته شده. در متن حاضر با سه نقطه (چ) آمده است.
- ۵- حرف «د»، در اکثر موارد پس از مصوّت‌های کشیده و کوتاه، «ذ» نوشته شده.
- ۶- آنچه، آنکه و که در همه جا آنج، آنک و کی نوشته شده.

- ۷- زیر حرف «ح»، برای اشتباه نشدن با «خ»، یک «ح» خُرد نوشته شده.
- ۸- زیر حرف «س»، برای اشتباه نشدن با «ش»، در برخی موارد، سه نقطه نهاده شده.
- ۹- حرف «گ» همه جا، و بدون هیچ علامتی، به شکل «ک» نوشته شده. در متن حاضر «گ» آمده است.
- ۱۰- صامت میانجی قبل از کسره اضافه، در اکثر موارد، به صورت همزه (ء) نشان داده شده است:

بناءً زیرین، دستۀ آسیا، زانوءِ دیوار.

- ۱۱- حرف «های» بیان حرکت، در جمع با علامت «ها»، نوشته نشده: حَلَقْها (= حلقه‌ها).
- ۱۲- روی حرف «ی» نکره، علامت همزه (ء) گذاشته شده: دَاروئِ کی واپی کنند. و در یک مورد دیگر، هم با علامت همزه و هم کسره است: دَاروئِ کی بلیسند.

ویژگی‌های آوایی

۱- تحوّل صامت‌ها

- ب (پ) / ف : گوسبند (گوسپند) = گوسفند
- ب / گ : بنجشک = گنجشک
- ژ / ج : باژ = باج
- س / ش : سَنگَرَف = سنگرف
- غ د / خ ت : کیمغد = کیمخت
- و / ب : آوله = آبله، باژوان = باژبان، پشتیوان = پشتیبان، دستوانه = دستبانه
- و / ف : اوگار = افگار، اوکنند = افکنند
- ه / س : خروه = خروس

ل / ه : خراج پڑول = خراج پڑوه

۲- تحوّل مصوّت‌ها

کلماتی که ذیل عنوان «ویژگی‌های تلفّظی» (در ادامه) آمده‌اند، در واقع، همان تحوّل مصوّت‌های کوتاه را نشان می‌دهند که در خط فارسی نوشته نمی‌شود و شاید، به همین دلیل، این نوع دگرگونی‌ها، که در خط ظاهر نمی‌شود، کمتر به عنوان تحولات آوایی مطرح شده، همان طوری که تحوّل صامت‌ها و مصوّت‌های بلند، که در خط ظاهر می‌شود، عموماً به عنوان ویژگی‌های تلفّظی و گویشی در نظر گرفته نمی‌شوند.

ویژگی‌های تلفّظی

با توجه به آنکه اکثر کلمات در این اثر حرکت‌گذاری شده، تلفّظ آنها در آن دوره، لاقّل در زبان مؤلف یا کاتب، مشخص می‌شود. در ذیل، به‌جز تلفّظ مصوّت َ /a/ پایانی و تلفّظ صامت «ذ» (پس از مصوّت‌های بلند و کوتاه) که در گذشته رایج بوده، به تلفّظ برخی کلمات دیگر اشاره می‌شود:

بُبریذَه، بُرنج، بسیارخیر، پلک چشم، پیش‌رو، پیوستگی، جُوان، چَهارپای، خَسْتُر، خَوَرَه، خوی، دُبیر، دُومین، دُولت، سَخُن فروش، سَرگین، سَوگند، شترسُوار، فراخ عِیش، کُهَن، کِیمُغَد، گوشت‌آهنج، مَوَری، مَی، نَو برده، پایَه نَرْدُبَان، نَی، نَیزَه، وی، یَک‌دانه، یَگانه.

حذف و اضافه

بُبریذَه = بُبریده، آژو = از او، دَرُو = در او، دَسْتَرَه = دست ارّه، دشخوار = دشوار
نگارنده در ارائه این متن کهن کوشش کرده است ویژگی‌های نوشتاری نسخه را رعایت کند.

تَمْهُ كِتَابِ الْبُلْغَةِ

عَمَلُهَا الشَّيْخُ الْأَدِيبُ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ الْفَنَجَكِرْدِي، رَحِمَهُ اللَّهُ
عَدَدُ لُغَاتِهَا أَرْبَعُمِائَةٍ وَ ثَمَانُونَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
رَبِّ أَنْعَمْتَ فَرْدُ

ج	الْأَشْيَاءُ	چیز	الشَّيْءُ
ج	الْأَسْمَاءُ	نام	الْإِسْمُ
ج	الْحَيَوَانَاتُ وَ النَّسَمُ	جانور	الْحَيَوَانُ وَ النَّسَمَةُ
		آنک جان ندارد از چیزها	الْمَوَاتُ
ج	الْمَيِّتَاتُ وَ الْجِيفُ	مُردار	الْمَيِّتَةُ وَ الْجِيفَةُ
		زندگانی	الْحَيَاةُ
		مرگ	الْمَوْتُ
ج	الْبَهَائِمُ وَ الْأَنْعَامُ	چهار پای	الْبَهِيمَةُ وَ النَّعَمُ
ج	الْوُحُوشُ	دامی	الْوَحْشُ
ج	النَّاسُ وَ الْأَنْسَاءُ	مَرْدُم	النَّاسُ
		مَرْد	الْإِنْسَانُ
		زَن	الْإِنْسَانَةُ
		مردمی	الْإِنْسَانِيَّةُ
		مَرْد	الْمَرْءُ
		نَر و مَادَه	الْخُنْثَى

ج	الْلَوْنُ	گَوَنَه	الْأَلْوَانُ	ج
ج	الشَّامَةُ	نِشَانِ بُزْرَگ	الشَّامَاتُ	ج
ج	الْوَسَخُ	شُوخ	الْأَوْسَاخُ	ج
ج	الْعَرَقُ	خَوِی	الْأَعْرَاقُ	ج
	الْمَسَامُ	آنجاگاه کی خوی آژو بیرون آید		
ج	المِشْجُ	خُون و نُطْفَه بِيَامِيخَتَه	الْأَمْشَاجُ	ج
	الطَّائِرُ	پَرَنَدَه		
	الْجَانُّ	پَذَرِ پَرِيَان		
ج	السَّجِّيَّةُ	خُو	السَّجَايَا	ج
	الْعُنْصُرُ وَ الْمَنْصِبُ وَ النَّجَارُ	اصِلِ مَرْدُم		

فَصْلُ

ج	الْعَقَبُ وَ النَّسْلُ وَ الدَّرِيَّةُ	فَرَزَنَد	الْأَعْقَابُ وَ النَّسُولُ ۳ وَ الدَّرِيَّاتُ وَ الدَّرَارِيُّ	ج
ج	الْيَتِيمُ	بِی پَذَرِ	الْأَيْتَامُ وَ الْيَتَامَى	ج
	الْقَصِيعُ	زاد خوست		
	الدُّمْرِیُّ	دِيرِينَه		
	الدَّالْفُ	آنک بَعْصَا رَوذ		

فَصْلُ

دُوشِزِگِی	الْبَكَارَةُ وَ الْعُذْرَةُ
فَرَا رَسِيْذَه	الْبَالِغَةُ وَ الْمُدْرَكَةُ

(۳) و النسول از قلم کاتب افتاده و بعداً در بالا و بعد از الدَّرَارِيُّ اضافه شده است.

	المُقَرَّبُ	نَزْدِيكَ زَه رَسِيذَه
	المَخَاضُ وَ الطَّلُقُ	دَرْدِ زَه
ج	المُخَذَّرَةُ وَ الْمُصَوَّرَةُ	پَرْدَگِي
ج	الْأَنَسَةُ	گُستَاخ
	الْقَاعِدُ	از حَيْضِشْده

فَصْلُ

	العَقِيقَةُ	مُوی سَرِ کُودَکِ چُونِ بَزَايَند
ج	العِقَاصُ	مُوی بَندِ الْعُقُصُ

فَصْلُ

	وَجْهٌ مُجَدَّرٌ	رُوی آوَلَه نِشَان
	و مُهْبِجٌ	بَرَامَاسِيذَه
	و صَفِيقٌ وَ وَفِجٌ	شُوخِ رُوی
	الْأَوْطَفُ	دِرَاز مَرَه
ج	الْأَمْرَةُ	سَبِيذِ پَلِکِ چِشَمِ الْمَرْهَانُ
	الْأَنَافِيُّ	بُزَرِگِ بِيَنِي

فَصْلُ

	الشَّئْبُ	رُوشَنِي دَنَدَانِ
	الْأَتْلُ	دَنَدَانِ زِيَادَتِ بَرَامَدَه
	الْغَرْبُ وَ الْأَشْرُ	تِيْزِي دَنَدَانِ

حَبْلُ الْوَرِيدِ رَگِ جان
الْغُرُضُوفُ وَالْغُضْرُوفُ آنچ با استخوان ماند و نه استخوان بُودَ

فصل

	الرُّوعُ وَالْخَلْدُ وَالْبَالُ وَالذَّهْنُ	هُوشِ دِل	
	الْبَطِينُ	بزرگ شکم	
	الْمُبْطَنُ	باریک شکم	
	الْمَبْطُونُ	بیمار شکم	
ج	الْمَصِيرُ وَالْقَتَبُ	رُودگانِی	المُصْرَانُ وَالْأَقْتَابُ
ج	الْعَفِجُ وَالْحَوِيَّةُ	چَرَبِ رُود	الْأَغْفَاجُ وَالْحَوَايَا
	الدَّرَقُ	سَرگینِ مُرغان	
	الْخُرَّءُ	سَرگینِ ماکیان	
	التَّجْوُ	سَرگینِ دذگان	

فصل

	الْخَصِيَّ	خایه بکشیده
	الْخِصِيَّةُ وَالْخِصْيَانُ وَالْمَجْبُوبُ وَالْمَمْسُوحُ	سَاذَه بکرده
	الضَّبْنُ	زیرِ بَغَل
	الْأَحْمَشُ	باریکِ ساق
	الْأَقْزَلُ	آنک زشت لَنگ بُودَ
	الْخَامِعُ وَالظَّالِعُ	آنک وَا لَنگَزَد

فصل

ج	الْوَصْلَاتُ وَالْأَوَاصِرُ	پیوستگی	الْوَصْلَةُ وَالْآصِرَةُ
ج	الْأَهْلُونَ	معروف	الْأَهْلُ
ج	الْأَسْرُ وَالْعِترُ	دو ده	الْأُسْرَةُ وَالْعِترَةُ
ج	الْحَوَاضِنُ	آنک کُودک نگاه دارد	الْحَاضِنَةُ
ج	السِّبَاءُ	برده	السَّبْيُ
		نو برده	الْجَلِيبُ
		آنک از پس مرگ آزاد کرده باشند	الْمُدَبِّرُ
		آنک وی را باز فروخته باشند	الْمُكَاتِبُ
ج	الرِّفَاقُ	گروهی هم راه	الرِّفْقَةُ
		گروهی بسیار مجهول	الرِّعَاعُ وَالْغَاغَةُ وَالْغَوَّاءُ
		کاروان	الْقَيْرَوَانُ
ج	الْقَوَافِلُ	کاروانی کی باز گردیده باشند	الْقَافِلَةُ

فصل

	كَرَانُهُ جَهَانُ	الخَافِقُ
ج	خَلَقَ الْخَلَائِقُ وَالْبَرَايَا	الْخَلِيقَةُ وَالْبَرِيَّةُ وَالْأَنَامُ وَالْوَرَى
ج	الْمُلُوكُ	پادشاه
ج	الْأَمْلَکُ وَالْمَمَالِکُ وَالْتَحِيَّاتُ	پادشاهی
		لَشکرگاه
		حَرْب گاه
ج	الرُّكْبُ وَالرُّكْبَانُ	شتر سوار
		الْمُعْتَرَكُ
		الْحَوْمَةُ
		الرَّاکِبُ

ج	الرَّجُلُ وَ الرَّجَالُ وَ الرَّجَالَةُ	پیاذه	الْراجلُ
		گروه	الْفَتَّةُ
		زینهاریان	أَهْلُ الذِّمَّةِ
	جَهْوَذان وَ تَرَسایان		أَهْلُ الْكِتَابِ

فصل

ج	الْمُنَافِقُونَ	دوروی	الْمُنَافِقُ
ج	الرَّبِیُّونَ وَ الرَّبَّانِیُّونَ	مرد خدای	الرَّبِیُّ وَ الرَّبَّانِیُّ
ج	الْحَوَارِیُّونَ	خاص پیغامبران	الْحَوَارِی
ج	الْحُكَّامُ وَ الْقُضَاةُ	داور	الْحَاكِمُ وَ الْقَاضِی
ج	الْأَیْمَةُ	پیش رو	الْإِمَامُ
ج	الْفُقَهَاءُ	دانشمند	الْفَقِیْهُ
		میانجی	الْحَكَمُ وَ الْمُتَوَسِّطُ
ج	الشُّهُودُ وَ الْأَشْهَادُ	گواه	الشَّاهِدُ
ج	الشَّهَادَاتُ	گواهی	الشَّهَادَةُ
ج	الْأَیْمَانُ وَ الْأَقْسَامُ وَ الْآلِیَا	سوگند	الْیَمِینُ وَ الْحِلْفُ وَ الْقَسَمُ وَ الْآلِیَّةُ
ج	الْأَوْصِیَاءُ	معروف	الْوَصِیُّ
		باثوان	الْمَكَّاسُ
		باژ	الْمَكْسُ
		کاردارانه	الْعُمَّالَةُ
		راه بر	الدَّلِیلُ
	صدقه ستان		الْمُصَدِّقُ

المُحْصِي	آنک گوسبند شمرَد
المُسْتَخْرِجُ	خَراجِ ستان
المُسْتَحِثُّ	خَراجِ پُژول

فَصْلٌ

الدَّهْقُ	شکنجِه	
السَّافِرُ	دُبِير	السَّفَرَةُ
الصَّامِتُ وَ النَّاضُ	زَر و سِیم	ج
الناطِقُ	چهارپای	
العقار	ضیاع و مُسْتَعْلُ	
الضِّمَارُ	مالی که از آن طَمَعُ بُبْرِیذَه باشند	
الوَفَرُ	مالِ بَسِیَّار	
الکَنْزُ	گَنْج	
الدَّقِینُ	مالِ پنهان کَرَدَه	ج
المَالُ وَ النَّشَبُ وَ العَرَضُ	خَوَاسْتَه	ج
	الْأَمْوَالُ وَ العَرُوضُ	

فَصْلٌ

النَّتَقِيُّ وَ النَّظِيفُ وَ الطَّاهِرُ	پَاک
النَّجَسُ وَ الرَّجْسُ وَ الْقَذَرُ	پَلِید
الْخُبْتُ وَ النَّجَاسَةُ وَ الْقَذَرُ	پَلِیدَه
الْبَارِعُ وَ الْکَامِلُ	تَمَامِ آلتِ
الدِّینُ	دِینِ دَار

الخَيْرُ	بسیار خیر
الْأَوْحَدُ	یگانه
الْلَبِيقُ	چابک
الضَّرْبُ	آزاده
الرَّعْرُعُ	بَذخو
الْوَضَاعُ	آنک دروغ فرا نهد
الْإِفْكَ وَ الْكَذِبُ وَ الزُّورُ وَ الْبُهْتَانُ	دُروغ
الْبَطَالُ	بی کار
الْأَمْعَىُّ وَ الْمُحَدَّثُ	آنک عاقبتِ کارها بداند
الْمُعْتَرُ	آنک آشکارا نخواهد
المُوسِرُ وَ الْمُوسِعُ وَ الْوَاجِدُ	توانگر
الْغَفَّةُ وَ الْبُلْغَةُ وَ الْمَسْكَةُ	نیاز و آذار
الْجَلِيلُ وَ الشَّرِيفُ وَ التَّيْبَةُ	بزرگوار
السَّيِّدُ وَ الْهَمَامُ وَ الصُّنْدِيدُ	مِهتَر
الْعَالِمُ	دانا
الْجَاهِلُ	نادان
الْهَائِمُ	دل بر خاسته
الْلَهُوُ وَ اللَّعِبُ وَ الدَّدُ	بازی
الْمَهِينُ	خوار
الدَّنَىُّ وَ الْوَعْدُ	فرومایه
الْمَلَاذُ	سخن فروش
الْجَدُّ وَ الْبَخْتُ	دوالت

ج الجِلَّةُ وَ الْإِجْلَاءُ وَ الشَّرَافُ وَ الْأَشْرَافُ

ج السَّادَاتُ وَ الصَّنَادِيدُ

ج الْعُلَمَاءُ

ج الْجُهَّالُ

ج	السَّاحِرُ	جَادُو	السَّحَرَةُ
	المُتَرَفُّ	فَرَاخُ عَيْشٍ و بِي أَنْدُوهُ	
	المَدَّهَوْشُ	بِي هُوش	
	الشَّرِيبُ و الخَمِيرُ	مَى خَوَارَه	
	السِّكِّيرُ	هَمِيشَه مَسْت	
ج	الصَّحِيحُ	تَن دَرُست	الْأَصِحَّاءُ
ج	الصَّرِيعُ	افكَنْدَه	الصَّرْعَى
ج	الْوَشِيكُ و السَّرِيعُ	زُوذ	السِّرَاعُ
ج	البَطِيءُ	دِير	البِطَاءُ
ج	الشَّدِيدُ و الصَّلْبُ	سَخْت	الشَّدَادُ و الصَّلَابُ
	الرَّخْوُ	سُست	
	السَّهْلُ و الْيَسِيرُ و الْهَيِّنُ	آسان	
	العَسِيرُ	دشخوار	
	البَغِيزُ	زِشت	

فَصْلُ

إِمْرَأَةٌ رَشِيقَةٌ	زَنَى دراز بَلا
و يُحْتَرُّ	كُوتَاه
و وَلُودُ	زَايَنْدَه
و سَوَّاءٌ و شَوَهَاءُ	زِشت
و مِغْطَارٌ و عَطِيرَةٌ	بُویَا
و رُتْقَاءُ	بَسْتَه اندام

فصل

ج	الاکلیل	آفسر	الاکلیل
ج	التمايم	تعويد	التمیمه و العوده
	الحلی ج	پیرایه	الحلی
		یک دانه	الفريد
		گاورسه	الشدر
		پیشانی بند	العصابه

فصل

ج	الصناعات و الحرف	پیشه	الصناعة و الحرفه
ج	المَاهِرُونَ و الحدائق	استاذ در پیشه	الماهر و الحاذق و الطب
		آنک ساخت برزند	المركب
		آنک گراسه بز کند	المذهب
		خواب گزار	المعبر
		ستاره شناس	المنجم
		صورت گر	المصور
		شکر فروش	السكری
		غریب فروش	الغریالی
		داش گر	الفخاری
		بوق زن	البوقی
		علم دار	العلمی
		مُرخ فروش	الطیوری

مَحْمِلُ فُرُوش	المَحَامِلِيُّ
ریش بز شک	الآسَى
أَفْسُونِ گَر	الرَّاقِي
جوال دُوز گَر	المِسْلَى
شانه گَر	المُشْطَى

فصل

بَخِيه	الْخُرْزَةُ
پُوست خَام	الْقِدُّ
كَيْمُغْد	الزَّرْغَبُ
لِكا	الدَّارِشُ
بَنْدِ سِرِّ مَشَك	الشِّنَاقُ

فصل

ج	الجَوَارِي	كَشْتِي دَر حَال رَفْتَن	الجَارِيَّةُ
---	------------	--------------------------	--------------

فصل

خُرِيْث	الْمَلَّةُ
خَمِير مَائِه	الْخَمِيرَةُ وَالرُّوبَةُ
پَرِه تَنُور	السَّارُوقُ
آتش دان	المُسْتَوْقَدُ
مَعْرُوف	الْقَقْسُ

القُقَّازُ	دستوانہ باز
اللُّقْطَةُ	چینہ
الثُّشَارَةُ	ریزہ دَستَرہ
الثُّحَاتَةُ	تراشہ
الْبِرَايَةُ	تراشیش قلم

فَصْلٌ

الدُّمَامُ و المَّدَامَةُ و الْقَهْوَةُ و الصَّهْبَاءُ و الْقَرْقَفُ و الْخَنْدَرِيسُ و الْحَمِيَّاءُ	مِیْ
العُكْرُ	الدُّرْدِیُّ
المُشْعَشَعَةُ و المَمْزُوجَةُ	آمِیختہ
الطَّلَا	جُوشِیدہ
السَّلَافُ	راوِ آن

فَصْلٌ

الدَّوَاءُ	دارو	ج
الشَّرَابُ	مَعْرُوفٌ	ج
المَعْجُونُ	سِرِشتہ	
السَّعُوطُ	دارو کی وَابِیْنِی اَو کُنند	
الْوَجُورُ	دارو کی بَدھن فرو کُنند	
اللَّدُّودُ	دارو کی بَیک سَوِی دھن فرو کُنند	
اللَّعُوقُ	داروئی کی بلیسند	
السُّنُونُ	آنک دَنَدَان بَذَان بَمَالند	

الصَّيْغُ	رَنگ
السِّنْجَرُ	سِنْگَرُ
الرَّزْجَارُ	زَنگَار
الْمَازُورُ	مَعْرُوفُ
الصَّنْعُ	أَيْضاً مَعْرُوفُ
الرَّزْجِيلُ	مَعْرُوفُ
العِظْلَمُ	وَسَمَهُ
العَنْدَمُ وَ دَمُ الْأَخْوَيْنِ	خُونِ سِياوشَانِ
الدِّقْلَى	خَرْزَهْرَه
الْهِنَاءُ	قَطْرَان
الرِّفْتُ	قِير
الْوَجَعُ وَ الْآلَمُ وَ الْوَصَبُ	دَرْدُ
الْأَلِيمُ	دَرْدِ سَخْت
الْمَحْمُومُ وَ الْمَوْعُوكُ	تَبْ گِرْفَتَه
الْوَعَكُ	تَبْ
الْلَوَى	بَرْمَانْدِگِی
الْمَغْصُ	پِیچایِ نَاف
الرَّحِيرُ	بَرینَا
الْبُهْرُ وَ الرِّبُو	دَمَا
الْعُدْرَةُ	دَرْدِ گَلُو
الْإِجْلُ وَ الْإِدْلُ	دَرْدِ گَرْدَن
الرَّزْمِنُ وَ الضَّمِنُ	أَوْگَار

	المُقْعَدُ	برجای بماندہ	
	الْأَسْرُ	وا گرفتنِ بُول	
	الْمَأْسُورُ	بُول وا گرفتہ	
	الْحَصْرُ	وا گرفتنِ شکم	
	الْمَحْصُورُ	شکم وا گرفتہ	
ج	الْقَرْحُ	ریش الْقُرُوحُ	
ج	الجِرَاحَةُ وَ الْجُرْحُ	خستِگی الْجِرَاحَاتُ وَ الْجُرُوحُ	
ج	الْجَلْبَةُ	کرہ ریش الْجَلْبُ	
	النَّدَبُ	نشانِ جِراحَت	
	الْحِكَّةُ	خارش	
	الْأَكْلَةُ	خورہ	
	النَّقْرَسُ	درد پای	
	التَّفْسِيرَةُ	آن آب کی بز شک درُو نِگرذ	
	المِحْرَافُ	میل	
	الْمَجْبَرُ	استخوان بند	
ج	الْجِبَارَةُ	آن تَخْتہ کی بر شکستہ بندند الْجِبَارَاتُ	

فَصْلُ

المُضِيفُ	مِيزبان
الْمُنُوشُ	نویذدھندہ
الضَّيْفَانُ وَالطُّفَيْلِيُّ وَالْوَارِشُ	طُفَيْلِی بَرِ طَعَام
الْوَاغِلُ	طُفَيْلِی بَرِ شَرَاب

	السَّحُورُ	آنک بسحر خورند
	الْفَطُورُ	آنک بَرُوزَه کُشَاذَن خورند
[ج]	الصَّلَاقَةُ	نَانِ تنک الصَّلَاقِ
	الْقَتَارُ	بُوی دیگ
ج	العُقْبَةُ	باقی خوردی العُقْبُ
	الْغَابُ	يَخْنِي
	الْمُرُوحُ	بُوی گرفتَه
	الْمُنْتِنُ وَ الْمُخِمُّ وَ الْمُصِلُّ	گَنَدَا
	الْمَدُودُ	کِرم دَرَاغَتِيْذَه
	الْبَهْطُ	بُرَنج بشیر
	الْقَيْضُ	پُوست خایه زَبَرِین
	الْغَرَقِيُّ	زیرین
ج	الطَّعْمُ	خوای الطَّعْمُ
	الْمَلْدُ وَ اللَّذِيذُ وَ الشَّهْيُ	خوش
	الْعَفْوَصَةُ	تَرَنجُونِی
	الْعَفِصُ	تَرَنجُون
	السَّلِيطُ	رُوعَن زَیْت
	الدَّيَّيَّةُ	فَصْلُ فِيْ اَسْمَاءِ شَتَّى
	الْبِرُّ	کَلَاهِ قَاضِيَان
	السَّحَقُ وَ الْبَالِي وَ الطِّمْرُ وَ الرَّثُ	جَامَه نَرَم
		کَهْن

	جَامَهُ دَاشْتَهُ	اللَّيْسُ
	اَبْرِشَم	الْاَبْرِشَمُ
	پَشْمِیْنَه	المِذْرَعَةُ
	پُرزَه جَامَه	الزُّبُرُ وَ الحَمْلُ
	رِیشَه جَامَه	الْهَدْبَةُ
	آیْنَه	الْمَاوِیَّةُ وَ السَّجْنَجَلُ
	سَرخَارَه	المِذْرَى
	تَخْتِ پَادشَاهَان	الْعَرْشُ
	دِیْگِ رُوئِین	الصَّادُ
ج	الارُون گَوِ آتَش دَان	الْاِرَّةُ
	دَسْتِیْهَ آسِیَا	المِجْسُ وَ رَحَاءُ الْيَدِ
	خَوَانِ رِیْزَه	الْحُثَالَةُ
	گُوشْتِ آهِنِج	الْمِنْشَلُ
	خُلِ چِرَاغ	الْقِرَاطَةُ
	کُوزِ اَوِیْژ	الْبَرَادَةُ
	شَمْعِ دَان	الْمَشْمَعَةُ
	پِلَاسِ کِی فِرُو کَنْد	الْحِلْسُ
ج	المَراقِی پَايَه نَرْدَبَان	المِرْقَاقَةُ
	نَیْزَه بَا عِلَامَت	المِطْرَدُ
ج	الدَّرَايَا نَشَانَه نَیْزَه	الدَّرِيَّةُ
	کَفِ دَهْنِ شَرُ	اللِّغَامُ
ج	النُّسُوعُ نَوَار	النَّسْعُ وَ الْوَضِیْنُ

ج	المرقَدُ	کَزَاوَه	المرَاقِدُ	ج
ج	العَطَنُ و المَنَاحُ	جایگاه شتر	الاعْطَانُ	ج
	اللبَّدةُ	موی گردنِ شیر		
ج	اللبَّيدُ	نمذ	اللبُّودُ	ج
	الخشَّاشُ	خسَّشُر		
	دُودُ القَزِّ	کِرم کَزْ		

فصلُ

ج	الريشُ	پَر مُرَغ	الآرِيَاشُ	ج
	الْقَدَامَى	پَرِ پیشین		
ج	الْخَافِيَةُ	واپسین	الْخَوَافِي	ج
	التَّغَرُّ	بچهٔ بنجشک		
ج	الرَّعْثَةُ	آنک از گردنِ خرویه فرو آویخته باشد	الرَّعَثَاتُ	ج

فصلُ

	القَفَرُ	زَمِين خَالِي		
	الْحَدُورُ و الهَبُوطُ	نشیب		
	الصَّوْدُ و الكَوُودُ	بَالَا		
ج	السَّبَّحَةُ	شُورَه	السَّبَّاحُ	ج
	الْقَتَامُ	العَبَارُ		
	السَّقَطُ و اللُّوَى	دامنِ ریگ		
	الرِّكَازُ	آنک خدای آفریده است از گوهرها در گوه		

	الَصَّرَقَانُ	ارزیز	
	الْمَهَا	بلور	
	الشَّرْبُ	آبِ رُوزِہ	
ج	الْيَمُّ	دَرِیَا	الْيَوْمُ
	الْأَبْطَحُ وَ الْبَطْحَاءُ	رُوذْخَانِہ	
	الْبَرِیْخُ	مَوْرِی	
ج	الْبَذْرُ	تُخْمُ	الْبُذُورُ
	الْعِشْرُقُ	زَرْشْک	
	السَّقِیَّةُ	زَمِیْنِی کِی آبِ بَدُو رَسَدُ	
	الْبَحْسِیَّةُ	زَمِیْنِی کِی آبِ بَدُو نَرَسَدُ	
	الْجَذْلُ وَ الْجَذْعُ	کُونِہ درخت	
	التَّنِیقُ	تَاغُنُ	
	الْقَاعِدَةُ	بِنِیَاذُ	
	الدِّرْعَامَةُ	پُشْتِیوَانُ	
ج	الرُّكْنُ	زَانُوْءِ دِیوَارِ	الْأَرْكَانُ
	الظَّلَّةُ	شَیْءٌ کَهِیْنَتِہِ الصُّفَّةِ	
	دَارُ الْمَرْضَى	بِیْمَارَسْتَانُ	
	الْجَدَثُ	گُورُ	
	النَّعْشُ	تَحْتَ مُرْدِہِ	
	الْجَنَازَةُ	مَعْرِوْفَةُ	الْجَنَائِزُ
ج	الْمَكَانُ وَ الْمَوْضِعُ وَ الْمَوْطِنُ	جَاۓ	الْأَمَاکِنُ وَ الْأَمَکِنَةُ وَ الْمَوَاضِعُ وَ الْمَوَاطِنُ
ج	الْمَجْلِسُ	آنْجَا کِی بَنَشِیْنَدُ	الْمَجَالِسُ

	الْمَجْمَعُ	آنجا کی فراہم آئند
	الْغَابُ وَ الشَّرَى وَ الْخَيْسُ	جایگاہ شیر
ج	السَّمَكُ	آسمانہ السُّمُوكُ
	الْخَصُّ	پوشش از نئی
ج	الْجَذْعُ	درختی کی سَفَر را شَايِد الْجَذْوَعُ
	الْبَهُوُ	صُفَّه
ج	الْمُخْدَعُ	گنجینہ الْمَخَادِعُ
	السَّقِلُ	بنائِ زیرین
	الْعُلُوُ	بنائِ زَبَرین
	الشَّرْقِيُّ	آنک با سُوی مَشْرِقِ دارد
	الْغَرْبِيُّ	آنک با سُوی مَغْرِبِ دارد

فَصْلُ

	الْهَوَاءُ وَ الْجَوُّ وَ اللُّوْحُ	هَوَا
	الْغَيْمُ وَ الْغَيْنُ	أَبَر
ج	الصَّاعِقَةُ	آتش کی از اَبَر بیرون آید الصَّوَاعِقُ
	الْوَسْمِيُّ	بارانی کی نُخْست آید
	الْوَلِيُّ	دُومین
	الْقُرُّ وَ الصَّرُّ	سَرَمَا
ج	الْغَادِيَّةُ	میغی کی بَامَدَاذ آید الْغَوَادِي
ج	السَّارِيَّةُ	میغی کی بَشَب رُوذُ السَّوَارِي
	الْقِطْقُطُ	تَکَرُّگ

	الْجَلِيدُ وَ الضَّرِيبُ	بُژ کی بامدّاذ بر زمین افتاده باشد
ج	الْمَجْمَدَةُ	يَخْدَانُ
ج	الْمَثْلُجَةُ	بَرْفْدَانُ
	السَّنَةُ	سَالِ قَحْطُ
	الْخَرِيفُ	بَرْگ ریزان
	الْمَرَاوِدُ	حَلَقَهَا کی دَر یَکدیگر می گردد
	الْيَرْمَعُ	سَنگِ سَبِيد و سُست
	الرَّاقُودُ	نَاوَه
	الصُّلْتُ	کارد برزگ
	...	
	الْمِعْرَضُ	آن جَآمَه کی بَنده را دَر آن عَرَض کُنند
ج	الصَّوْتُ	آواز
ج	الْبَكْرُ	شتر جَوَان
		الْأَبْكَارُ وَ الْبِكَارَةُ

والله اعلم بالصواب

تَمَّتِ السِّيَمَةُ بِعَوْنِ اللَّهِ تَعَالَى وَ حُسْنِ تَوْفِيقِهِ

على يدى العبد الراجى عفو ربه عبدالملك بن ابراهيم بن عبدالرحمن الثقفىالى على طريق

الاستعجال فى الخامس [و] العشرين من شوال سنه ثمان [و] ستين [و] ستماء.

در زیر به تعدادی از لغات فارسی با معادل‌های عربی آنها اشاره می‌شود.

آب روزه	الشَّرْب
آسمانه	السَّمَكَ
آوله‌نشان (روی ~)	[وَجْهٌ] مُجَدَّرٌ
ارزیز	الصَّرْفَان
آوگار	الزَّيْن و الضَّمِين
باژ	المَكْس
باژوان	المَكَّاس
برآماسیده (روی ~)	[وَجْهٌ] مُهَبَّجٌ
برف‌دان	المَثَلَجَة
برگریزان	الخریف
برماندگی	اللَّوْی
برینا	الزَّحیر
بُژ	الجلید و الضَّریب
بنجشک (بچه ~)	التُّغَر
بوق‌زن	البُوقی
بویا	[إِمرأة] مِعْطَارٌ و عَطِیرَةٌ
پردگی	المُخَدَّرَة و المَقْصُورَة
پُرزه (~ جامه)	الزَّئْبُر و الخَمَل
پُشتیوان	الدِّعَامَة
پلیذه	الخُبْث و التَّجَاسَة و القَدَر
پیچای ناف	المَعْض

العِصَابَة	پیشانی‌بند
التَّيَقُّ	تاغُن
التَّعْشُ	تختِ مرده
البُرَايَة	تراشِشِ قلم
التُّحَاتَة	تَرَاشَه
العَفِص	تَرُنْجُون
العُفُوصَة	تَرُنْجُونِی
البارع و الكامل	تمام آلت
المِسْلَى	جوال دوزگر
العَفِج و الحَوِيَّة	چَرَبِ روذ
اللُّقْطَة	چینه
المُسْتَحِثَّ	خراج پزول
المُسْتَخْرِج	خراج ستان
الرَّعْثَة	خروه (آنک از گردن ~ فرو آویخته باشد)
المَلَّة	خُرِیْث
الْخَشَاش	خَسْتَر
الْقُرَاطَة	خُلِ چِراغ
المُعَبَّر	خواب‌گزار
الْحُثَالَة	خوان ریزه
الطَّعَم	خوای
العُقْبَة	خوردی (باقی ~)
الْأُكْلَة	خَوْرَه

خوی	العرق
داشته (جامه ~)	اللبیس
داش‌گر	الفخاری
دامی	الوحش
دُبیر	السافر
دردِ زه	المخاض و الطلق
دستره (ریزه ~)	التشارة
دستوانه (~ باز)	القفاز
دشخوار	العسیر
دل برخاسته	الهائم
دوشیزگی	البکاره
دیرینه	الدُمريّ
راو	السلاف
راه‌بر	الدلیل
روذگانی	المصیر و القتب
ریزه (~ دستره)	التشارة
ریش بز شک	الآسی
زادخوست	القصیع
زه رسیذه	المقرب
زینهاریان	أهل الذمة
ساخت (آنک ~ برزند)	المركب
ساده بکرده	الخصیة و الخصیان و المحبوب و الممسوح

سَخُنْ فروش	المَلَّاذ
سَرخارَه	المِدْرَى
سَرشَتَه	المَعْجُون
سِنْگَرَف	السُّنْجَرَف
شانه گر	المُشْطَى
شکنبه	الدَّهَق
شوخ	الوَسَخ
شُوخ روى	[وَجَهٌ] صَفِيقٌ وَ وِقِیحٌ
صدقه‌ستان	المُصَدِّق
صورت گر	المُصَوِّر
عَلَم دار	العَلَمِیَّ
فرارسیذه	البالِغَة و المُدْرَكَة
فروکردن (پلاس کی فرو کنند) (فروکردن: گستردن، انداختن)	الْحِلْس
کاردارانه	العُمَالَة
کره (ـه ریش)	الجُلْبَة
کز (کرم ~)	دُودُ الْقَزِّ
کزّاه	المَرَقْد
کوزاویژ	الْبَرَادَة
کونه درخت	الجَذَل و الجَذْع
کَیْمُغْد	الزَّرْعَب
گاورسه	الشَّدْر
گندا	المُنْتِن و المُخِم و المُصِل

الارّة	گو (ـ آتش دان)
الْمِنْشَل	گوشت آهَنج
الدَّارِش	لکا
المَحَامِلِيّ	مَحْمِل فروش
الْبَرَبَخ	موری
العِقاَص	موی بند
الشَّرِيب و الخَمِير	مِی خواره
الرَّاقُود	ناوه
الْجَلِيب	نَو بَرَدَه
الْغَفَّة و الْبُلْغَة و الْمَسْكَة	نیاز وا دار
السَّفُوف	واپی کردن (دارویی کی واپی کنند)
الْأُسْر	واگرفتن (ـ بول)
الْمَأْسُور	واگرفته (بولـ)
الخَامِع و الظَّالِع	والنگیدن (آنک والنگذ)
الرُّوع و الْخَلَد و الْبَال و الذَّهْن	هوشِ دل
المُجَمَّدة	یخ دان
الْغَاب	یخنی

منابع

صادقی، علی اشرف (۱۳۸۶)، «البلغه»، دانشنامهٔ زبان و ادب فارسی، ج ۲، به سرپرستی اسماعیل سعادت، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران.

صفری آق‌قلعه، علی (۱۳۸۸)، «کهن‌ترین دست‌نویس البلغه»، گزارش میراث، دوره ۲، س ۴، ش ۳۵، ص

فنجگردی نیشابوری، ابوالحسن علی بن احمد (۱۳۸۴)، سَلْوَةُ الشَّيْعَةِ، پژوهش جویا جهانبخش، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران.

قاسمی، مسعود (۱۳۸۳)، «درباره لغات نسخه کهن کتاب البَلْغَه»، نامه پژوهشگاه، (تاجیکستان)، س ۴، ش ۶، ص ۵-۳۰.

کردی نیشابوری، ادیب یعقوب (۲۵۳۵)، کتاب البَلْغَه، به اهتمام مجتبی مینوی و فیروز حریرچی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.

میدانی، ابوالفتح احمد بن محمد (۱۳۴۵)، السَّامِي فِي الْأَسَامِي، (عکس نسخه مکتوب به سال ۶۰۱ هجری قمری)، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.

